ایدئولوژی معامله

درباره تحولات ونزوئلا که توهم و واقعیت تغییر بازی سیاست را نشان داد

مهرداد احمدی شیخانی
روزنامه‌نگار

سکانسی در فیلم «عروسی خوبان»، ساخته محسن مخملباف هست که در آن دو بازاری قدیمی که چشم دیدن یکدیگر را ندارند، بعد از نماز ظهر در مسجد نشسته‌اند و با یکدیگر بر سر جوش دادن معامله‌ای به توافق می‌رسند. این سکانس، دقیقاً جایگاه معامله و توافق را نشان می‌دهد که حتی دو دشمن خونی را می‌تواند بر اساس منافع مشترک به وفاق برساند که همان تعبیر قدیمی در امر سیاست‌ورزی است که «در سیاست نه دوست دائمی داریم و نه دشمن دائمی، بلکه فقط منافع دائمی داریم» و یک سیاستمدار کسی است که بر اساس منافع کشورش تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند. برای همین هم آنانی که در امر سیاسی بر وفاداری و خیانت، و بر دوستی و دشمنی تاکید دارند، احتمالاً یا سیاست را نفهمیده‌اند و یا شاید با گفتن چنین تعابیری، سعی می‌کنند عدم درک و فهم خود را از جهان سیاست پنهان کنند. شاید برای همین هم هست که «هنری کیسینجر» به‌عنوان شناخته‌شده‌ترین نابغه سیاسی جهان، سیاست‌ورزی را در این جمله خلاصه کرده که «سیاست یعنی دست دادن با شیطان»؛ دقت کنید که او می‌گوید دست دادن با شیطان و نمی‌گوید دست دادن با دشمن، که دست دادن با دشمن حتی چندان غریب نیست ولی اینکه توان و اراده آن را داشته باشی تا با کسی که عمری او را شیطان معرفی کرده‌ای و حتی زمانی که با او دست می‌دهی نیز بگویی او شیطان است و پس از دست دادن با او، همچنان بر شیطان بودنش تاکید کنی، کار هر کسی نیست. شاید برای همین است که سیاستمداران (نه آنانی که ادعای فهم سیاسی می‌کنند) هیچ‌وقت آدم‌های محبوبی نمی‌شوند، همین است که به جای تلاش برای رسیدن به محبوبیت و قهرمان شدن، به دنبال کسب منافع برای کشور خود هستند. نمونه‌اش در کشور خود ما، «قوام‌السلطنه» است؛ سیاستمداری که شاید بیشترین ثمره قابل اندازه‌گیری را (بازگرداندن دو استان ایران به خاک کشورمان که از نظر وسعت خاک به اندازه ۵ استان کنونی ماست) برای کشورمان به ارمغان آورده، ولی تقریباً هیچ‌کس از او به نیکی یاد نمی‌کند. به نیکی یاد نمی‌کند که هیچ، بسیار هم از او بد گفته می‌شود و حتی برای بعضی مدعیان فهم و کمال، «احمد قوام» سیاستمدار منفوری هم هست. از همین منظر که در بالا گفتم، چند سال پیش دو یادداشت در مطبوعات منتشر کردم، یکی با عنوان «من قوام‌السلطنه‌ای هستم» و دیگری به مناسبت مرگ کیسینجر با عنوان «دست دادن با شیطان». در هر صورت، سیاستمدار را صرفاً باید بر اساس تلاشی که برای کسب منافع کشورش می‌کند داوری کرد و لاغیر. البته یادمان نرود که احتمالاً هیچ سیاستمدار واقعی، نه محبوب است و نه قهرمان.

در این چند روز، مهمترین خبری که جهان را فرا گرفته، حمله آمریکا به ونزوئلا و دستگیری عجیب و غریب مادورو بود. کل اتفاق در ۵ ساعت و تقریباً بدون هیچ درگیری و مقاومت معناداری از سوی ارتش ونزوئلا و تقریباً فقط با کشته شدن محافظان رئیس‌جمهور ونزوئلا که گویا اکثراً کوبایی بودند پایان یافت. بعد از آن، چه رخ داد؟ اپوزیسیون این کشور که از مدت‌ها قبل درخواست مداخله نظامی آمریکا را داشت و مشخصاً «ماریا کورینا ماچادو» که چند ماه پیش جایزه «صلح» نوبل را به خاطر همین درخواست «جنگ» آمریکا با کشورش دریافت کرده بود، خوشحال و خندان که حالا قدرت را در ونزوئلا به او خواهند داد، اظهار شادمانی کرد، ولی اتفاقی که افتاد این بود که معاون مادورو، یعنی «دلسی رودریگز» به جای مادورو نشست و در پیامی خواستار همکاری با آمریکا شد و ترامپ هم گفت «حالا ما ونزوئلا را اداره می‌کنیم» و خلاص. بعد هم گزارش محرمانه سازمان سیا منتشر شد که می‌گفت «بهترین جانشین مادورو از مقامات حکومت خود اوست».

اما چرا چنین شد؟ این که با سابقه رفتار آمریکا در سرنگونی و تغییر حکومت‌ها، به‌خصوص در این ۳۵ سال پس از فروریختن دیوار آهنین بلوک شرق نمی‌خواند. مسئله این است که مثل همان نمونه‌ای که در ابتدای یادداشت آوردم، منطق «ایدئولوژی معامله»، آن هم در جهان سیاست، با منطق هر ایدئولوژی دیگری متفاوت است. این منطق بر درس‌گیری و تغییر رفتار بنا شده و نه بر جزمیت رفتار و عمل. آمریکا در این ۳۵ سال که بسیاری از حکومت‌ها را سرنگون و حکومت‌های دست‌نشانده‌ای را از بین اپوزیسیون آن کشورها بر سر کار آورده و در ادامه، از حکومت دست‌نشانده خود با پرداخت هزینه‌های کلان جانی و مالی دفاع کرده؛ عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و بسیاری از جاهای دیگر، ولی در عمل، الزاماً به نتیجه دلخواه نرسیده و حتی در افغانستان، عرصه را به چین واگذار کرده و حالا مانده که با این فرصتی که برای راه تنفس از مسیر افغانستان به چین داده چه کند. برای همین به نظر می‌رسد که آمریکای ترامپ، دکترین مداخله خود را تغییر اساسی داده، به این نحو که «اپوزیسیون یک حکومت، می‌تواند خود آن حکومت باشد» و لزومی ندارد که کل ساختار را با صرف هزینه گزاف سرنگون کند و بعد جانشینی از بیرون به جای آن بگذارد و سپس با کلی هزینه سعی کند که آن را در جامعه جا بیاندازد که حالا جا بیفتد یا نه؛ که تازه چه وقت با صرف این همه هزینه و زمان به نتیجه دلخواه برسد یا نرسد. به جای آن می‌تواند با همان ساختار و فقط با برداشتن سمبل و نماد آن، کار را به مقصود برساند و اصلاً چه لزومی دارد که فاسد را بردارد و فاسدی دیگر را جای آن بنشاند؟ با همان فاسد قبلی به توافق می‌رسد. مهم این است که اطاعت کنند، چه فرقی می‌کند که چه کسی اطاعت کند؟

اینطور می‌شود که با چهار بالگرد می‌آیند، مادورو را مثل ملخ از داخل کاخش برمی‌دارند، ساختار هم دربَست اطاعت می‌کند و ترامپ می‌گوید حالا ما ونزوئلا را اداره می‌کنیم و این وسط سر اپوزیسیون بی‌کلاه می‌ماند که جایزه صلح نوبلش را برای به دست آوردن دل ترامپ خرج کند و به هیچ چیزی هم نرسد و نهایتاً فقط مادورو بود که با توهماتش سر کرد و اپوزیسیون متوهم که فکر می‌کرد توانسته دل از ترامپ ببرد.

گزارش یک

عکس: president.ir

فاش گویی رئیس جمهور از شرایط اقتصادی کشور و دلایل حذف ارز ترجیحی

پزشکیان: بودجه دولت را چلانده‌ایم

گروه خبر: با گذشت ۱۰ روز از اعتراضات، هنوز دولت نتوانسته افزایش تورم و کاهش ارزش پول ملی (که به ساعت و دقیقه تغییر می‌کند) را کنترل کند. در این شرایط انتظار می‌رفت که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور به دنبال راهی برای کاهش تنش ارزی و اقتصادی کشور باشد. او روز گذشته با حضور در همایش ملی «جایگاه شوراهای اسلامی و مشارکت مردم در قانون اساسی» به سخنرانی پرداخت. او با اشاره به مشکلاتی همچون کمبود شدید منابع آبی، فرونشست زمین، مشکلات متعدد محیط‌زیستی و... در شهرها، مشکلات را به دلیل نداشتن یک نقشه جامع دانست و اعلام کرد: «تا زمانی که نتوانیم با هم‌فکری و تعامل جمعی این مسئله اساسی را حل کنیم، روند فعلی ادامه خواهد یافت و کشور هر روز با بحران‌های بیشتری روبه‌رو می‌شود.» پزشکیان که پیش‌تر هم به موضوع حل مسائل به صورت محله‌محوری تاکید کرده بود، شوراها را بازوی اصلی حل مسائل محلی با اتکا به مردم نامیده و گفت که دولت آماده واگذاری اختیار به شوراها برای حل مشکلات محله‌محور است. او در بخشی از سخنانش روی افزایش قیمت یارانه‌ها با توجه به نوسانات ارزی تاکید کرد؛ درحالی‌که برخی از نمایندگان از این اقدام دولت چهاردهم (و دولت‌های پیشین) به عنوان کمیته‌امدادی اداره کردن کشور یاد کردند. رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنانش به فشارهای خارجی اشاره کرده و گفت: «دشمنان به این دلیل چشم طمع به کشور ما دوخته‌اند که تصور کرده‌اند کار در اینجا دشوار شده است. از یک سو با اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی، مسیرهای توسعه کشور را مسدود می‌کنند و از سوی دیگر، ژست دلسوزی برای مردم ما می‌گیرند. همان کسانی که خود مرتکب جنایات گسترده و کشتار جمعی شده‌اند، امروز مدعی دفاع از حقوق بشر هستند.»

افزایش یارانه با قیمت نوسانات ارز

او اصلاحات ساختاری را دشوار خوانده و تاکید کرد: «تغییر، فرآیندی ساده و فوری نیست. اقداماتی که اخیراً در حوزه ارز انجام شده، با هدف مقابله با رانت، انحصار و ویژه‌خواری بوده است. پیش از این، افرادی با دریافت ارز ترجیحی، به ازای هر دلار ده‌ها هزار تومان سود کسب می‌کردند و این امر نوعی یارانه پنهان و بی‌عدالتی آشکار بود؛ فرقی هم نمی‌کرد که فرد دریافت‌کننده ارز، مذهبی باشد یا غیرمذهبی، معتقد باشد یا غیرمعتقد. اقدام اخیر دولت به معنای حذف یارانه‌ها نبوده است، بلکه یارانه‌ها به‌صورت مستقیم به حساب همه افراد جامعه واریز شده تا ضمن جلوگیری از رانت و فساد، عدالت در توزیع منابع نیز محقق شود.» پزشکیان با تشریح ابعاد سیاست‌های حمایتی دولت، گفت: «برخی ادعا می‌کنند اجرای این سیاست‌ها موجب افزایش تورم خواهد شد، درحالی‌که محاسبات دقیق نشان می‌دهد یارانه‌ای که به ازای هر فرد معادل یک میلیون تومان به حساب مردم واریز می‌شود، نه‌تنها حذف نخواهد شد، بلکه در صورت افزایش نرخ ارز نیز متناسب با آن افزایش می‌یابد و به‌طور کامل حفظ می‌شود. از این مبلغ، حدود ۸۰۰ هزار تومان امکان تأمین یازده یا دوازده قلم کالای اساسی و معیشتی را فراهم می‌کند. این در حالی است که پیش از اجرای این روند، همین رقم ۸۰۰ هزار تومان بوده، اما با توجه به تورم ایجادشده در کالاهایی نظیر گوشت، مرغ و سایر اقلام ضروری، این میزان به حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان رسیده است. به عبارتی حدود ۵۰۰ هزار تومان تورم در این فرآیند شکل گرفته است. بر همین اساس، دولت یک میلیون تومان اعتبار برای هر فرد در نظر گرفته که در واقع ۵۰۰ هزار تومان بیش از میزان تورم ایجادشده به مردم پرداخت شده است.» رئیس‌جمهور به اصلاحات اقتصادی نیز اشاره کرده و افزود: «در موضوعاتی همچون بنزین و گازوئیل نیز ابتدا باید این اطمینان به مردم داده

ادامه از صفحه اول

سالهاست که طیف وسیعی از اقتصاددانان معتبر هشدار می‌دهند که ادامهٔ نظام چندنرخی ارز به توزیع ناعادلانهٔ رانت و فساد افسارگسیخته و در نهایت به بن‌بست منجر می‌شود و باید برای اصلاح آن دست به اقدامی قاطع زد، اما تاکنون از ترسِ درد ناشی از این جراحی و یا کارشکنی کسانی که این رانت‌ها را به جیب می‌زنند و یا مخالفت تعدادی از اقتصاددانانی که اساساً با آزادی اقتصاد میانه‌ای ندارند و نوعی اقتصاد کنترل شده و دولتی را تجویز می‌کنند، کار به عقب افتاده و مشکل ابعاد سهمگین و خطرناکی به خود گرفته است.

اینکه دولت حتی از روی اضطرار و عسر و حرج تصمیم به تک‌نرخی کردن ارز و توزیع مابه‌التفاوت آن، به صورت مستقیم به عموم مردم گرفته است، حرکتی به سمت صحیح است، اما برای موفقیت این حرکت، اگر تدابیر جانبی آن به درستی تمهید نشود، چه‌بسا درد و خونریزی ناشی از این جراحی پرریسک به مرگ بیمار بیانجامد، آن هم در شرایطی که فضای جامعه ناآرام است و فشار آمریکا و اسرائیل بر کشور نیز وارد مرحله‌ای تشدیدشونده شده است.

دولت آقای پزشکیان در درجهٔ نخست باید مضرات ارز چندنرخی و فواید تک‌نرخی کردن آن را با تودهٔ مردم در میان بگذارد و نظر مساعد آنان را به این موضوع جلب کند. برای این کار دولت نیازمندِ یک تریبون فراگیر و تصویری است یعنی دقیقاً همان چیزی که از آن محروم است! سازمان صداوسیما نه علاقه‌ای جدی برای حمایت از جراحی اقتصادی دولت دارد و نه حمایت آن به دلیل بحران اعتبار و مقبولیت، کمترین اثر مثبتی بر تودهٔ مردم می‌گذارد. دولت در واقع نیازمند شبکه‌ای مختص خود است؛ به طوری که هم چهره‌های معتبر و محذوف در حوزهٔ علم اقتصاد امکان حضور در آن پیدا کنند و هم مجبور به رعایت «خطوط قرمز» ساختگی و مضحکِ صداوسیما نباشد. چنین شبکه‌ای با جذب طیف وسیعی از مخاطب، علاوه بر متقاعد کردن مردم به تحمل درد ناشی از تک‌نرخی شدن ارز به قصد اصلاح ساختارِ معیوب و ناعادلانهٔ اقتصاد کشور، می‌تواند مرجعیت اطلاع‌رسانی را نیز از خارج به داخل کشور منتقل کند و مسیر یک نظام اطلاع‌رسانی آزاد و مطمئن و معتبر و شفاف و منصفانه را بگشاید.

اگر دولت از همین لحظه به طور جدی درصدد مذاکره برای مدیریت مستقیم یکی از پرشمار شبکه‌های سراسری صداوسیما برنیاید و آن را به دست نیاورد، بداند که قافیه را به سودبرانِ نظام چندنرخی ارز و اصحاب رانت باخته است!

چنین دستاوردی از سوی دولت، به لحاظ روانی، زمینه را برای کاهش التهاب داخلی و خارجی نیز فراهم می‌کند به شرط آنکه در این دو مورد نیز تمهید و ابتکار از خود نشان دهد. برای کاهش التهاب داخلی، تهیهٔ لایحه‌ای فوری برای سامان دادن به اعتراضات عمومی اولویت نخست است. بدبختانه در این زمینه هم تاکنون قاعدهٔ «از باب اکل میته» جاری و ساری بوده و سازوکاری که همهٔ دولت‌ها در جریان هر اعتراضی وعدهٔ آن را داده‌اند، در عمل شکل نگرفته است.

اگر تصمیم‌گیران کشور به حرف خود مبنی بر «پذیرش اعتراض مدنی و مسالمت‌آمیز» واقعاً اعتقاد دارند پس این همه تعلل برای تعیین سازوکار آن چه دلیل و توجیهی دارد؟ بدون وجود سازوکار مشخص و قانونی اعتراض مدنی، اصولاً به چه طریقی می‌توان اعتراض را از آنچه «اغتشاش» خوانده می‌شود تشخیص داد و با یکی مدارا و با دیگری نامدارا کرد؟

برای کاهش التهاب در روابط خارجی هم می‌توان به ابتکارات تازه‌ای اندیشید. مسئله اکنون این است که آیا مجموعهٔ نهادهای حاکم اصولاً به دنبال راهی برای کاهش التهاب و مدیریت بحران در این زمینه هستند یا اینکه همین روند را به صلاح کشور و مایهٔ «برکت» می‌دانند؟ اگر همین روند را به صلاح کشور می‌دانند باید دلایل و آثار آن را به طور شفاف به عموم مردم توضیح دهند، اما اگر خواهان کنترل بحران و کاهش التهاب هستند، چرا آن را به طور صریح و علنی اعلام نمی‌کنند؟ در روزهای اخیر برخی از همسایگان زمینی یا دریایی ایران از قبیل عراق و قطر آمادگی خود را برای میانجیگری در بحران خارجی ایران اعلام کرده‌اند و گزارش‌های مطبوعاتی نیز از علاقهٔ سعودی‌ها به این نوع واسطه‌گری حکایت دارد. اگر قرار است نهایتاً ماجرا نه از راه جنگ دوباره بلکه از مسیر دیپلماتیک به نتیجه‌ای برسد، چرا به جای استقبال از میانجیگری کشورها، به آن بی‌اعتنایی و بی‌توجهی می‌شود؟

متأسفانه سیدعباس عراقچی با اظهارنظرهای اخیرش در چشم عموم به عنوان وزیری مخالف دیپلماسی برای کنترل بحران و تنش‌زدایی در روابط خارجی کشور ظاهر شده است. ادامهٔ مسئولیت او در وزارت خارجه دیگر به صلاح کشور به نظر نمی‌رسد و به همین دلیل اگر آقای پزشکیان واقعاً خواهان موفقیت خود در جراحی اقتصادی کشور است، باید بدون درنگ جانشین مناسبی برای آقای عراقچی در نظر بگیرد و از این طریق، جامعه را به تغییر این اوضاع مقداری امیدوار کند.

به هر حال، دستاوردهای سه‌گانهٔ فوق می‌تواند به دولت برای عبور از این جراحی پردرد اقتصادی و حرکت به سمت بهبود ساختار اقتصاد کشور کمک کند. بدون این سه دستاورد، کار بسیار مشکل‌تر از آن می‌شود که آقای پزشکیان و همکارانش در دولت می‌پندارند. چه‌بسا آنان خود قربانیان این جراحی اقتصادی شوند!

گزارش دو

دلسی رودریگز رئیس جمهور موقت ونزوئلا شد

اپوزیسیون دست خالی ماند

گروه خبر: پس از ربایش رئیس جمهور پیشین ونزوئلا توسط ارتش آمریکا، معاون او به عنوان رئیس جمهور موقت این کشور سوگند یاد کرد. دلسی رودریگز که از دیروز کار خود را به صورت رسمی شروع کرد، از سال ۲۰۱۸ معاون نیکولاس مادورو، رئیس جمهور پیشین ونزوئلا بود. این جابه‌جایی قدرت در حالی صورت گرفت که دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده به عنوان عامل اصلی عملیات دستگیری و انتقال مادورو به خاک آمریکا و برخلاف انتظاراتی که وجود داشت، دست اپوزیسیون این کشور را خالی گذاشت و از انتقال قدرت به ماریا ماچادو، رهبر مخالفان ونزوئلا حمایت نکرد. دلسی رودریگز در روزهای گذشته مواضع متناقضی در قبال ترامپ و آمریکا گرفت که با واکنش ترامپ هم مواجه شد. روز یکشنبه دیوان عالی ونزوئلا اعلام کرد که بر اساس قانون اساسی این کشور، با غیبت مادورو اختیارات ریاست‌جمهوری به معاون او منتقل می‌شود. رودریگز در دوران چاوز و مادورو، مناصب مختلفی از جمله وزارت خارجه، اقتصاد و نفت، ریاست سرویس اطلاعاتی ونزوئلا و ریاست مجلس موسسان را بر عهده داشت.

از مستعمره نمی‌شویم تا دعوت به همکاری آمریکا

ترامپ روز شنبه در کنفرانس خبری اعلام رسمی بازداشت مادورو، به این موضوع اشاره کرد که رودریگز با مارکو روبیو وزیر امور خارجه آمریکا صحبت و موافقت کرده که در یک دولت انتقالی همکاری کند. مارکو روبیو هم روز یکشنبه در اظهاراتی گفت «واشنگتن آماده است در صورت اتخاذ تصمیم درست، با مقام‌های باقی‌مانده در حاکمیت ونزوئلا همکاری کند.» رودریگز بامداد یکشنبه به وقت تهران، در حالی که کنار وزیران خارجه و دفاع دولت ونزوئلا ایستاده بود، سخنرانی پرحرارتی داشت. او گفت: «برای دفاع از ونزوئلا و منابع آن آماده هستیم. ونزوئلا فقط یک رئیس جمهور دارد و آن نیکولاس مادورو است و ما خواستار آزادی فوری مادورو و همسر او هستیم. اگر آسیبی به مادورو برسد، نیروهای مسلح و همه نهادها و دستگاه‌های ملی برای دفاع از استقلال کشور اقدام خواهند کرد. تاریخ و عدالت کاری خواهند کرد که تندروهایی که برضد ملت ونزوئلا اقدام مسلحانه کرده‌اند، هزینه آن را بپردازند. تجاوز نظامی آمریکا، لکه ننگ بزرگی در تاریخ روابط دوجانبه است. ما نسبت به تجاوز به ونزوئلا به بهانه‌های واهی هشدار داده بودیم و این اتهام‌زنی‌ها فقط یک هدف داشت و آن تغییر حکومت در ونزوئلا بود. ما بار دیگر برده نمی‌شویم و مستعمره هیچ امپراتوری نخواهیم شد.» پس از این وقایع، دونالد ترامپ در مصاحبه‌ای که با آتلانتیک داشت، رودریگز را به صورت مستقیم خطاب قرار داد و تهدید کرد. او گفت: «اگر او کار درست را انجام ندهد، بهای بسیار سنگینی خواهد پرداخت، احتمالاً بهایی سنگین‌تر از بهای مادورو.» او همچنین تهدید کرد که «ونزوئلا ممکن است آخرین کشوری نباشد که با مداخله آمریکا روبه‌رو می‌شود.»

به دنبال این تهدید مستقیم، ساعاتی بعد بیانیه رودریگز منتشر شد که لحنی متفاوت از صحبت‌های پیشین او داشت. او در این بیانیه که در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد، اعلام کرد که ونزوئلا «آرزوی زندگی بدون تهدیدهای خارجی» و «حق حاکمیت» را دارد. وی ادامه داد: «ما از دولت آمریکا دعوت می‌کنیم تا در یک دستور کار مشارکتی، با محوریت توسعه مشترک، در چارچوب قوانین بین‌المللی و برای تقویت همزیستی پایدار جامعه، با ونزوئلا همکاری کند.» در بخش دیگری از بیانیه رودریگز آمده است: «مردم و منطقه ما شایسته صلح و گفت‌وگو هستند، نه جنگ. این همیشه موضع نیکولاس مادورو رئیس جمهور ونزوئلا بوده است و در حال حاضر نیز موضع تمام کشور ما است. این ونزوئلایی است که من به آن اعتقاد دارم، ونزوئلایی که زندگی‌ام را وقف آن کرده‌ام. رویای من این است که ونزوئلا به یک قدرت بزرگ تبدیل شود که در آن همه ونزوئلایی‌ها بتوانند کنار هم زندگی کنند.» نکته‌ای که نیویورک‌تایمز به آن توجه کرد این بود که رودریگز در این بیانیه بر خلاف موضع‌گیری پیشین خود، درخواست آزادی مادورو را مطرح نکرد.

آب سرد ترامپ بر سر ماچادو

چند هفته قبل از ربایش مادورو از کاخش در کاراکاس، ماچادو که به عنوان رهبر اپوزیسیون ونزوئلا شناخته می‌شد و جایزه صلح نوبل را گرفت، از این کشور خارج شد و به نروژ رفت. از همان زمان احتمال نقش آمریکایی‌ها در انجام عملیات خروج او مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت اما هیچ وقت به صورت دقیق مشخص نشد نقش آمریکا در این کار چقدر بوده است. پس از خلع مادورو از سوی ترامپ، اولین نگاه‌ها به سمت ماچادو برگشت اما خیلی زود مشخص شد که ترامپ قصد ندارد او را به تخت بنشاند. ترامپ در همان نشست خبری اعلام دستگیری مادورو اعلام کرد که او «در داخل کشور نه حمایت دارد و نه